

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۰ خرداد ۱۳۸۸، ۱۰ ژوئن ۲۰۰۹

Iskraa_nkk@yahoo.com

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش باز گرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۷۰



مصاحبه با محمد
آسنگران در مورد
انتخابات

تاریخ حکومت
اسلامی افتخاری

محمد آسنگران

برای کاندیداهای این رژیم هم محسوب نمیشود

ایسکرا: اختلاف در میان جناحهای جمهوری اسلامی شدیداً بالا گرفته است و علناً دست به افشای یکدیگر میزنند. چه زمینه های سیاسی و اجتماعی باعث بروز بی سابقه این کشمکشها شده است؟

محمد آسنگران:

جمهوری اسلامی سالها است با بحران مشروعیت دست به گریبان است. این رژیم به قول منصور حکمت وصله ناجوری بر جامعه ایران بوده و این وصله ناجور اکنون به یک عفونت غیر قابل تحمل بر پیکر جامعه تبدیل شده است.

مردم عزم جزم کرده اند تکلیف این حکومت را روشن کنند. جنبشهای

صفحه ۴



حمید تقوائی

پیام حمید تقوائی به مردم پیرامون "انتخابات": این جانیان باید محاکمه شوند!

آلمان و انگلیس و فرانسه و قبرس و عراق، و اعدامها و سنگسارها و شلاق زدن و قمه کشی های هر روزه حزب الله علیه زنان و کارگران و جوانان برگهای دیگری از پرونده سیاه این رژیم جنایتکار و تا مغز استخوان فاسد است. این جانیان باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. باید پرونده سیاه اینان را در

صفحه ۲

بستن مطبوعات و تا حمله به دانشگاهها و سرکوب و کشتار مخالفین، تنها گوشه کوچکی از جنایات این حکومت منحوس است. یورش به کردستان، سرکوب و کشتار دانشجویان در جریان "انقلاب فرهنگی"، یورش بمردم در سی خرداد شصت، قتل عام تابستان شصت و هفت، قتلهای زنجیره ای، ترور فعالین سیاسی مخالف رژیم در

مردم آزاده! آنچه این روزها جامعه ایران را فراگرفته تب و تاب انتخاباتی نیست، تب و تاب سرنگونی است! جانیان حاکم بجان هم افتاده اند و دزدیها و شیادیها و جنایات یکدیگر را برملا میکنند. اعترافات اینان، از براه اندازی زندانهای خصوصی گرفته تا جعل مدارک تحصیلی و از دزدیهای چندین میلیارد دلاری تا



محمد امین کمانگر

نیروی عظیم با همه جناحها و جناح بندیهای درون رژیم مخالف هستند و اگر جرعه ای زده شود و تقی به توفی بخورد همین نیروی آماده است که نه تنها صندوقهای انتخابات را بر سرشان خراب می کنند بلکه سرا پای این حکومت را به آتش می

صفحه ۲

اعتراف به فساد و جنایت و سکوت رهبر جنایتکاران!

نسبت به نیروی دشمن در اذهان ریخته شود و بخصوص در دیدن همراهان خود دل گرم و با اعتماد بنفس بیشتری در عرصه های مختلف در بطن این اعتراضات ظاهر شوند. دوماً این نیرو به هر دلیلی که به خیابانها آمده باشد، به بهانه دفاع از هر کدام از این کاندیداها که باشد می تواند حضور قدرتمند خود را با اعتراض به آن چیزی که سد راهش است و به آن چیزی که مانع زندگی شادش است و مانع رشد آگاهی و افکارش است را نشان دهد. سوماً اکثریت این

غول عظیم به خیابانها پا گذاشته است. کارگران و دانشجویان و جوانانی که امروز به خیابانها پا گذاشته اند نیروی عظیم و انقلابی ای هستند که در آینده نه چندان دور این رژیم و این سیستم پادگانی را در هم خواهند کوبید. این نیروی وسیع انسانی مدت هاست که در کمین است و در پی چنین حرکتی و در پی چنین فرصتی است که علناً به خیابانها کشیده شوند، تا اولاً در سطح وسیع همديگر را بشناسند و رو در رو با دشمنانشان قرار گیرند. ابهامات

در صفحات دیگر:

اعلام وثیقه های سنگین به خانواده های ۵ تن از
بازداشت شدگان روز جهانی کارگر

صفحه ۳

درخواست کفالت برای آزادی ۴ نفر و افزایش فشار بر
جعفر عظیم زاده

صفحه ۳

بساط این حکومت باید برچیده شود

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام حمید تقوائی به مردم ...

از صفحه ۱

دستگیری و محاکمه سران حکومت رضایت نمیدهند. آنچه در برابر چشمان ما جریان دارد نه انتخابات و جابجانی يك جانی با جنایتکار دیگر، بلکه گام تازه ای در پیشروی جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی است.

در چند روزی که از این مضحکه باقیمانده و در روز بیست و دو خرداد ما مردم خیابانها را به دادگاه علنی محاکمه این جانان تبدیل میکنیم و به دنیا نشان میدهم که حکومت اسلامی باید برود.

حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی حزب
کمونست کارگری ایران
۹ ژوئن ۲۰۰۹

انتخابات بمراتب ضعیف تر و درمانده تر و بهم ریخته تر، و در مقابل، صف ما مردم قوی تر و متحد تر و معترض تر خواهد شد. فریاد "این جانان باید محاکمه شوند" با ختم انتخابات فرو نخواهد نشست. هر نیرو و حزب و شخصیتی که کمترین ادعای آزادیخواهی و اصلاح طلبی و طرفداری از مردم را دارد باید خواستار بازداشت و محاکمه سران این حکومت باشد. و هر نیروئی، اعم از نیروهای "اپوزیسیون" پرو رژیمی و یا رسانه های جهانی، که در کنار این جانان قرار گرفته و در کوره این مضحکه میدمد باید به مردم ایران حساب پس بدهد.

مردم ایران به چیزی کمتر از

نامیدن این افتضاح و رسوائی سیاسی توهین آشکار به شعور ما مردم است. باید در چند روزی که از مضحکه انتخاباتی مانده و در خود روز بیست و دو خرداد به خیابانها ریخت و با صدای بلند به جهانیان اعلام کرد که رای ما "نه به کل حکومت اسلامی" است. اعلام کرد که رای ما نه به حکومت غارت و کشتار و دروغ و فساد است. ما با صدای بلند به همه دنیا اعلام میکنیم که این جانان باید بازداشت و محاکمه شوند. اگر اینها بجان هم افتاده اند بخاطر فشار اعتراضات ما مردم و موج نفرت و انزجاری است که از هرسو اینان را احاطه کرده است. باید این اعتراضات را با قدرت ادامه داد. این رژیم، هر که را از صندوق بیرون بیاورند، بعد از

برابر مردم در ایران و جهان گشود، باید به حساب تك تك جنایات اینان، چه در مقام فرمانده و چه در مقام تیر خلاص زن، چه در مقام نخست وزیر و رئیس جمهور، و چه ولی فقیه و رئیس مجلس، چه بجرم قتل عامهای نظیر کشتار تابستان شصت و هفت و چه بجرم اعدامهای فردی نظیر بقتل رساندن دلارا دارابی، رسیدگی کرد، و باید تا یک ریال آخر اموال مردم را از حلقوم خودشان و "آقازاده" هایشان بیرون کشید. جای سران این حکومت، از سید علی پینوشه تا احمدی نژاد و رفسنجانی و تا موسوی و کروبی و

مردم آزاده!

در هر جای دنیا، در هر کشوری که اندکی حساب و کتاب در آن باشد، همه این "نامزدهای انتخاباتی" را بعد از اعترافات تلویزیونی نشان بازداشت میکردند و به محاکمه میکشیدند. انتخابات

اعتراف به فساد و جنایت و ...

از صفحه ۱

زهر را بنوشد. چون رهبران این رژیم آخرین میخ های تابوت حکومت را کوبیدند.

راه سوم راه سرنگونی است اوضاع ایران قبل و بعد از انتخابات اساساً قابل مقایسه نیست. نیروی سرنگون طلبی قدمها جلو آمده است و بسیار شفاف مدعی بزیر کشیدن این نظام است. این است که این غولی که از شیشه بیرون آمده در هر دو صورت چه اصولگرایان و چه اصلاح طلبان حاکمیت را بدست بگیرند به درون شیشه باز نخواهد گشت. و بدون دستاورد نمی توان فرمان عقب نشینی به او صادر کرد و در این شرایط آنکه پیروز شده است و آنکه پیروز می شود مردم است با کوچکترین دست آورد خاک ریز تعرض را خواهند ساخت و حکومت اسلامی را بزیر خواهد کشید. هیچ برگ برنده ای در دست حکومت نمانده است و از هر لحاظ خلع سلاح شده است. هم اکنون این نیروی مردم هم چنانکه در بالا اشاره کردم دارند این کار را می کنند.

۸ ژوئن ۲۰۰۹

افتضاحتی که به بار آورده است حفظ کند. آیا می شود در حضور هفتاد میلیون ایرانی این کثافتکاری را پینه کرد یا نه؟ در هر صورت روند این اوضاع و این گند کاری که مقامات رژیم و نظام جمهوری اسلامی بیار آورده و هم اکنون در مناظرات بین باندهای اسلامی انعکاس یافته به احتمال زیاد از دست رهبر هم در برود و تعرض مردم به این بساط جنایت دزدی و رشوه خواری واقعاً شروع شود و تمام معادلات توسط این سیل بنیان کن بهم ریخته شود. بنظر من آقای خامنه ای دو راه بیشتر در پیش ندارد. فشار این شرایط وادارش می کند هر چند نا راضی در این چند روزه باقی مانده باید جلسه ها بگیرد و نصیحت بعضی از اطرافیان هر دو جناح را گوش کند و مجبور شود مهره اصلی او جناب احمدی نژاد بدست خود رهبر سوخته و کنار گذاشته شود و با تذکراتی فدای بقای نظام گردد. و این مهره سوخته شده حد اقل در این شرایط باید زبانش را گاز بگیرد و گر نه

کشد و رهبران رژیم اسلامی دقیقاً از این می ترسند. این کابوسی است که بیست چهار ساعته گلوی هر دو جناح را بشدت می فشارد. این غول که به خیابانها آمده است دیگر ساده به عقب بر نخواهد گشت جناح اصولگرا چه در سیاست خارجی و چه در سیاست داخلی رژیم اسلامی را منزوی کرده است و رژیم اسلامی ایران در جهان از هر لحاظ تحریم و ایزوله شده است. اقتصاد مملکت افتضاح آواراست "ما به هرکجا می رویم مردم بما اعتراض می کنند که این چه اوضاعی است" (از سخنان آقایان کروبی و موسوی) و جناح رقیب هم روی این مسائل انگشت گذاشت. آری این قدرت فشار و اعتراض این مردم بود و قدرت جنبش سرنگونی طلبی است که در این شوهای تلویزیونی رهبران رژیم را وادار می کنند تا هر دو جناح در

مقابل هم قرار گیرند و خود انگشت روی این مسائل بگذارند تا به زبان خود به دزدیها و کثافت کاریها و جنایتهای نشان علیه مردم در طول سی سال حاکمیت سیاه اعتراف کنند. (مثل اسپهای گاری که به سرابالایی می رسند همدیگر را گاز می گیرند). تا به زبان خود بگویند پرونده هارا بیرون بکشند و مدارک رو کنند که نظام اسلامی ایران یکی از فاسد ترین و جنایتکار ترین حکومتهای جهان معاصر است این اقرار خود بالاترین رهبران این حکومت است. این آقایان نه در زندان هستند و نه در زیر شکنجه قرار گرفتند اما تلاش و فشار مردم آنها را وادار به این اعتراف کرد. جناب رهبر بعنوان سر دسته اوباشان و دزد و فاسد و جنایتکاران، فعلاً سکوت کرده است و دارد چرتکه می اندازد، که چکار کند چگونه نظامش را با این

مصاحبه با محمد آسنگران در باره ...

از صفحه ۴

حکومت بیش از همیشه ضعیف و مردم احساس قدرت و توان بیشتری میکنند. تنها راه حل واقعی و به نفع مردم این است که مردم به حزب کمونیست کارگری متصل شوند و بساط کل این دزدان و قاتلان را در هم بپیچند.

حکومت از جانب مردم . بقول لنین هنگامی که "اسبها در سربالایی همدیگر را گاز میگیرند" به این معنی است که امکان ادامه حکومتشان مشکلاتر از مشکل شده است. در پس این افشاگریها و آشکار شدن جنایت و دزدیها

عبان میکنند. این بار اوضاع دارد به نقطه جوش نزدیک میشود. احمدی نژاد کل تاریخ دولتهای قبل از خود را زیر سوال برده و بقیه این چهار سال آخر را هم به آن اضافه کرده اند. این یعنی ناتوانی حکومتیان برای حکومت کردن بر مردم و نپذیرفتن

برداشتن از این خوان یغما نیستند. این اختلافات جناحی رژیم اسلامی مثل بحرانهای ادواری سرمایه داری هر بار عمیقتر و گسترده تر خود را

تصاحب میلیاردها دلار از اموال مردم چنان جدی و جذاب شده است هیچکدام از باندهای حکومتی حاضر به کوتاه آمدن و دست

اعلام وثیقه های سنگین به خانواده های ۵ تن از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر جهت آزادی آنان

صبح روز دوشنبه هجدهم خرداد مانند روزهای قبل خانواده های دستگیر شدگان اول ماه مه در پارک لاله، به منظور پیگیری آزادی عزیزان خود در مقابل دادسرا و دادگاه انقلاب حضور یافتند. غلامرضا خانی، مهدی فراهی شاندیز، کاوه مظفری و محسن ثقفی به دادگاه برده شدند. به آنان اعلام شد که برای آزادی علی رضا ثقفی ۵۰ میلیون، محسن ثقفی ۲۰ میلیون، غلامرضا خانی ۵۰ میلیون، مهدی فراهی شاندیز ۱۰۰ میلیون و کاوه مظفری ۵۰ میلیون

وثیقه لازم است. در پاسخ خانواده ها به ناتوانی خود جهت تهیه وثیقه اشاره کرده و خواستار کاهش میزان وجه الضمان برای آزادی عزیزان خود شدند که با مخالفت دادگاه مواجه شد. زندانیان دوباره به بند ۷ زندان اوین بازگردانده شدند. هم چنین روز گذشته علیرضا ثقفی به دادگاه آورده شده بود. دیگر کارگران زندانی، جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و سعید یوزی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در پی انتقال به بند ۲۴۰ و تحت فشارهای

تازه از روز شنبه نتوانسته اند به خانواده های خود تماس تلفنی برقرار کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۸ خرداد ۸۸

درخواست کفالت برای آزادی ۴ نفر از بازداشت شدگان در مراسم روز جهانی کارگر و افزایش فشارها بر جعفر عظیم زاده

طبق خبر رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز یکشنبه ۱۷ خرداد به خانواده های شاپور احسانی راد، اسدالله پورفرهاد، جلوه جوهری و محمد اشرفی اعلام کرده اند که

برای آزادی افراد نامبرده باید کفیل معرفی کنند. طبق اخبار رسیده مأموران زندان اوین روز گذشته به جعفر عظیم زاده گفته اند به خانواده اش اطلاع دهد که تا ده روز دیگر ملاقات ندارد. از شب گذشته تماس های تلفنی جعفر عظیم زاده قطع شده و به گفته زندانیان ایشان را به بند ۲۴۰ منتقل نموده اند. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن ابراز خوشحالی نسبت به آزادی ۴ نفر مذکور و تبریک به خانواده هایشان و همچنین همه انسانهای مدافع حقوق کارگر و آزادیخواه در سراسر جهان که در این مدت با تمام توان با اعتراضات خود و فشارهای ناشی از آن بر مسئولین قضائی آزادی این عزیزان را میسر نمودند، نگرانی عمیق خود را نسبت به وضعیت

سلامت دیگر بازداشت شدگانی که هنوز در بند هستند و بخصوص جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، که مسلماً برای افزایش فشارها و اعمال شکنجه های روحی و جسمی به بند ۲۴۰ زندان اوین انتقال داده اند، ابراز می دارد و از همه تشکلهای سازمانها، جمعها و انسانهای مدافع حقوق کارگر و حقوق بشر می خواهد تا ضمن اعتراض شدید به ادامه اذیت و آزارها بر این رهبران و فعالین کارگری که هر آن ممکن است سلامتی و جانشان به خطر افتد، بر فشارهای خود بر دولت ایران برای آزادی هرچه سریعتر آنان بیافزایند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۷ خرداد ۸۸

پاسخ مردم به مضحکه انتخابات:

بساط این حکومت باید برچیده شود



شعیب (پویا) احمدی

سال حکومت خود، بخاطر زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق انسانی، بخاطر صدها هزار اعدام و شکنجه و ترور باید محاکمه شوند. انتخابات در ایران معنی ندارد. این مضحکه را با ابتدائی ترین معیارهای يك جامعه متسدن نمی توان انتخابات نامید. پس از گذراندن از فیلترهای مختلف چهار جنایتکار را در مقابل مردم قرار داده تا یکی را انتخاب کنند. اما مردم بدرستی این را فهمیده اند. مردم خواهان رهایی از دست يك حکومت آدمکش و خون آشام ارتجاعی، ضدزن، ضدکارگر، ضد شادی، ضد تمام دستاوردهای بشری و ضدتمدن هستند.

مردم هیچ تفاوتی ندارد چون قوانین حاکم بر جامعه همان قانون ارتجاعی اسلامیت و هر کدام از این آقایان در به اجرا درآوردن این قانون نقش به سزای داشته و دارند. هر چهار نفرشان مدافع سرسخت نظام جهل و خرافه پرستی و حکومت خدا و اسلام سیاسی هستند و هر کدام پرونده سنگینی بخاطر مشارکت در جنایات و غارتگری های حکومت اسلامی دارند. آنها جوابگوی مطالبات مردم نبوده و نیستند. این جانپان نه تنها جواب گوی نیازها و مطالبات مردم نیستند بلکه مواعی بزرگ برای این هستند که مردم در تعیین سرنوست خودشان نقش داشته باشد.

مردم خواهان آزادی و جامعه برابر و مرفه هستند و پاسخ رژیم تاکنون سرکوب و شکنجه زندان بوده است. چهار نفر کاندیدای ریاست جمهوری و تمام جنایتکاران و چپاولگران حاکم باید بخاطر سی

در طول سه دهه که از حاکمیت جنایتکاران جمهوری اسلامی میگذرد در ایران هر چهار سال یکبار يك نفر که مورد تائید شورای تشخیص مصلحت نظام و رهبر باشد از صندوق های انتخابات (انتصابات) سر برآورده و به مردم و جامعه تحمیل میشود. با مضحکه ای بنام انتخابات ریاست جمهوری که هر بار یکی از دست اندرکاران حکومت اسلامی را بر سرنوشته میلیونها انسان حاکم می کند. بعد از احمدی نژاد که به تیر خلاص زن رژیم معروف است و هزاران مورد جنایت در پرونده چهار سال حکومت او ثبت است، این بار هم سه نفر دیگر از همپالگی های او هم کاندید شده اند و گرفتن پست ریاست جمهوری با هم رقابت می کنند.

این که احمدی نژاد یا یکی دیگر از ۳ نفر قبیش به پست ریاست جمهوری اسلامی میسرند از نظر

جامعه ایران تحمیل کرده. این نظام نظام جمهوری اسلامی باید برود این را مردم ایران فریاد می زنند. با قتل عام بزرگ سالهای ۶۰ و ۶۷ رئیس قوه مجریه حکومت بوده یا محسن رضایی که فرمانده سابق یکی از جنایتکارترین ارگانهای سرکوبگر نظام اسلامی بوده یا کروی که چندین دوره عضو و رئیس مجلس اسلامی بوده و ارتجاعی ترین قوانین را بر جامعه حاکم کرده و یا احمدی نژاد که بعنوان يك فاشیست در تمام جهان شناخته شده است.

در شرایطی که صدها نفر از جمله چهارده زندانی سیاسی در کردستان در زندانهای ایران در خطر اعدام و سنگسار به سر می برند، بسیاری از دستگیر شدگان اول مه بخاطر برگزاری مراسم اول مه در زندان هستند و هر گونه تجمع و تشکل و اعتراضی به وضعیت موجود با گلوله پاسخ می گیرد پاسخ مردم به برگزاری مضحکه انتخابات فقط این است:

بساط جمهوری

اسلامی باید از روی

زمین برچیده شود.

زنده باد آزادی برابری

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی.
شعیب احمدی (پویا)
۴ ژوئن ۲۰۰۹

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

مصاحبه با محمد آسنگران در باره ...

از صفحه ۱

اعتراضی و در راس آنها جنبش کارگری کمونیستی اکنون به موقعیت منحصر به فردی رسیده است. حتی اختلافات جناحها و باندهای حکومتی هم هر گاه تشدید میشود همدیگر را به این متهم میکنند که زمینه را برای قدرت گیری مارکسیستها فراهم میکنند. اخیرا هم شاهد این اتفاقات هستیم. جمهوری اسلامی با همه باندهایش ۳۰ سال است این جامعه را گرسنه نگه داشته و تلاش میکند مردم را از دایره تمدن و پیشرفت جهان امروز دور نگه دارد. اما در دنیای امروز نمیتوان جامعه را در قرنطینه فرهنگ و قوانین ۱۴۰۰ سال قبل و در چهار چوب فرهنگ اسلامی و آخوندی نگهداشت.

امکانات تکنولوژیک و اینترنت و ماهواره امروز در ایران نیز فضایی را در جامعه ایجاد کرده که هر شهروند ایرانی خود را و توقعاتش را با استانداردهای بالای جهانی مقایسه میکند. نقش سانسور و خفه کردن جامعه با رشد تکنولوژی و امکانات رسانه ای عملا خنثی شده و حاکمان نمیتوانند مردم را در بی خبری نگهدارند. در دوران اوایل انقلاب سال ۵۷ و در دوران شاه این ممکن بود و به همین دلیل نقش رادیوی بی.بی.سی در شکل دادن به فضای تک صدایی و حکومت اسلامی و ایجاد نقش اصلی برای خمینی برجسته بود.

امروز این فضا از بنیاد تغییر کرده است. دوران رسانه های تک صدایی تمام شده است. امکانات سانسور حکومتها محدود شده است. دسترسی به اخبار و اطلاعات غیر حکومتی از اینترنت و ماهواره برای بخش قابل توجهی از جامعه مهیا شده است. نقش رسانه های غیر حکومتی بویژه نقش رسانه های چپ در جامعه و آموزش و آشنایی مردم و نسل جوان با ایده های دیگر و افکار و راه حل های انسانی و برابری طلبانه قابل مقایسه با گذشته

نیست. برای درک تاثیرات این تغییرات در جامعه کافی است که نشریات اپوزیسیون دوران شاه و اوایل انقلاب ایران را با رسانه های میلیونی امروز اپوزیسیون و بویژه چپ مقایسه کنید. اکنون چپ ترین جریان کمونیستی یعنی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ ساعته از طریق تلویزیون با میلیونها مردم حرف میزند.

مهندسی افکار رسانه های رسمی و دولتی در دوران گذشته بدون رقیب بودند. آن دوره بجز صداهای مجاز و دولتی مردم صدای دیگری را نمیشنیدند. از امکانات و تحولات و حقوق شهروندی کشورهای غربی کمترین اخبار به ایران میرسید. علاوه بر این در ضدیدت با فرهنگ غربی يك فرهنگ اسلامی و سنتی قوی میداندار شده بود و کل اپوزیسیون چپ و راست آن دوره در داخل آن فرهنگ و در چهار چوب آن به شاه و دیکتاتوری شاه معترض بودند.

اکنون فرهنگ مدرن غربی معتبر شده است. جریانات چپ و بویژه حزب ما که يك جریان اساسا غربی و با فرهنگ مدرن غرب پا به میدان گذاشته است معتبر شده است. فضا آن چنان علیه فرهنگ سنتی و اسلامی قدرتمند است که حتی آوندها هم برای اعتبار خود دیگر جرات نمیکند علیه فرهنگ غربی ظاهر شوند. این تحولات تنها گوشه ای از تغییرات بنیادی در جامعه ایران است که فضا را بر حاکمان رژیم اسلامی و باندهای آن تنگ کرده است. فرهنگ اسلامی اکنون بی اعتبار ترین فرهنگی است که مردم معتقد به مذهب هم نمیخواهند با آن تداعی شوند. همین تحولات کل رژیم اسلامی را در مقابل خواست تغییر این اوضاع قرار داده است. باندهای حکومتی اگر همدیگر را افشا و متهم میکنند به

این دلیل است که افتخاری در عمر جمهوری اسلامی یافت نمیشود که یکی خود را صاحب آن بدانند. همه باندها دارند از تاریخ و جنایات بیشماری رژیم از خود تبری میجویند.

اکنون نه جنگ ۸ ساله نه انقلاب فرهنگی و نه دوران سازندگی و نه دوران اصلاحات رژیم هیچکدام اعتباری ندارند و کاندیداهای رژیم هم با آن تحولات و تاریخ نمیخواهند تداعی شوند. احمدی نژاد خود را مخالف کل دوران جمهوری اسلامی منهای چهار سال اخیرش معرفی میکند. زیرا افتخاری در آن ۲۶ سال قبلی وجود ندارد و همه آن دوران را به چپاول و قهر حکومتیان علیه مردم معرفی میکنند. جناحهای مقابل هم خود را صاحب آن ۲۶ سال نمیکند و این چهار سال اخیر را هم مایه ننگ میدانند. در این پروسه افشاکاری این باندها از همدیگر اجتناب ناپذیر شده است. زیرا مردم دل خوشی به هیچکدام از این دورانها ندارند. اینها زمینه هایی است که به قول آیت الله لنگرانی منظره کاندیداها را به محاکمه کل حکومت اسلامی تبدیل کرده است.

ایسکرا:

از صنوق در آمدن هر کدام از کاندیداها، باتوجه به شدت اختلافات اوضاع را برای کل جمهوری اسلامی خرابتر خواهد کرد. در تقابل با چنین وضعیتی چقدر کودتای نظامی به سرکردگی احمدی نژاد و به بهانه حفظ نظام را امکان پذیر میدانید؟

آسنگران:

امکان کودتا به نظر من ضعیف است. زیرا باندهای حکومتی هر کدام دارو دسته نظامی و شبهه نظامی خودشان را دارند. در ضمن اگر کسی قرار باشد کودتا کند خامنه ای باید دستور آنرا صادر کند که این به معنای متلاشی شدن کل حکومت است. اما همینکه این سوال مطرح میشود نشان از درهم ریختگی کل این حکومت است. در عین حال هیچکدام از این باندهای

حکومتی نمیخواهند به نظام ورژیم اسلامی خدشه ای وارد شود. هر کدام دارند لیاقت خود را برای اداره رژیم اسلامی را به رخ باند مقابل میکشند. زیرا میدانند فقط با وجود این رژیم میتوانند به چپاول میلیاردری دست بزنند. باندهای حکومتی میدانند در چه چهار چوبی با هم رقابت کنند.

اما آنچه مردم باید بدانند و به آن توجه کنند این است که جنبش سرنگونی طلبی از این فضای شیر تو شیر کنونی چگونه راه خود را در مقابل همه این باندها باز کند و به پیروزی های بیشتری دست یابد. همینکه فشار از پایین به این حکومت باعث شده است همه باندهای آن به جان همدیگر بیفتند و از رسانه های خودشان جنایات و دزدیهایشان را افشا کنند میدانی را باز کرده است که مردم میتوانند کل این دارو دسته قاتل و دزد را مورد تعرض قرار دهند. اگر تا دیروز فقط اپوزیسیون این دزدیها و جنایتها را افشا میکرد و دسترسی به مدارک محرمانه این حکومت مشکل بود اکنون میبینید که خودشان علیه همدیگر و برای تصاحب میلیاردهای بعدی از پول و امکانات این جامعه بخشی از این اسناد را علیه همدیگر افشا کرده اند. بنابر این اعتباری برای هیچکدام از جناحهای رژیم حتی در میان طرفدارانش باقی نمانده است. این افشا گریها که کل حکومت و تاریخ ۳۰ ساله آنرا نشانه گرفته است در همان چهار چوب حکومت اسلامی و قوانین قرآنی هم افتخاری برای حامیانش باقی نگذاشته است.

ایسکرا:

آیا دخالت احتمالی خامنه ای برای شکل دادن به يك ائتلاف میتواند راه حلی برای برون رفتن رژیم از بحران سیاسی کنونی باشد؟

آسنگران:

به نظر من این ممکن نیست. زیر خود خامنه ای در يك طرف این نزاع ایستاده است. دوران وحدت کلمه خمینی با مرگ خمینی به گور سپرده شد. اگر تعرض به خامنه ای هنوز شکل آشکاری مثل تعرض به احمدی نژاد رابه خود نگرفته است به این دلیل است که این اتفاق اگر بیفتد يك روزه کل رژیم اسلامی کله پا میشود. مردم میریزند سرشان و بساتشان را جمع میکنند. جمهوری اسلامی با باز کردن فضای انتخابات خواست مردم را به پای صندوقهای رای بکشاند. اما اتفاقی که افتاد کنترل را از دستشان در آورد. نتوانستند مثل دورانهای قبل این رقابتها جناحی را کنترل شده هدایت کنند. زیرا رقابت برای

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!